

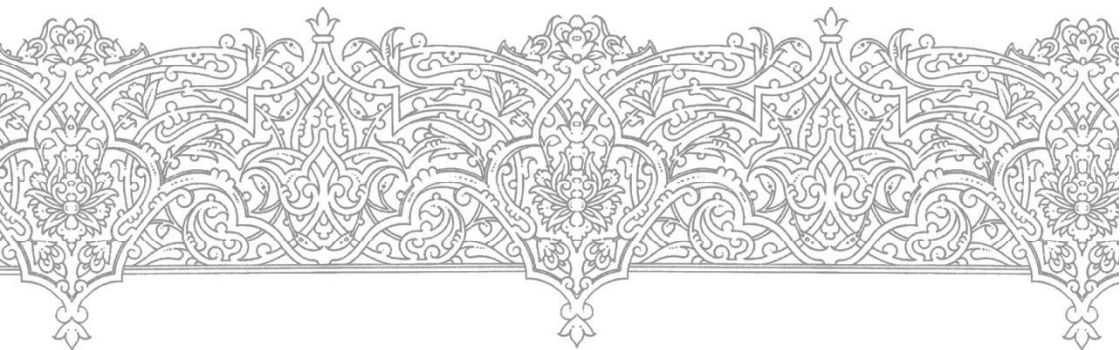


سنی و شیعه؛ غوغای ساختگی

شهید دکتر فتحی شقاقی

ترجمه: استاد سیدهادی خسروشاهی

تلخیص: ا. م



مقدمه

برخی چنین وانمود می کنند که همه اهل سنت، دیدگاه منفی نسبت به شیعه و انقلاب اسلامی ایران دارند تا بدین سان اراده ملت ایران را در همراهی و یاری جنبشهای اسلامی غیرشیعی سست کنند. نمونه ای از این شیطنت را در ایام نبرد ۲۲ روزه غزه شاهد بودیم که گروهی مسأله سنی بودن اکثر فلسطینیها را با تأکید ویژه مطرح کردند و تهمت هایی نیز به مجاهدان زدند. البته همانوقت پاسخهای مستندی به تفرقه افکنان داده شد.

«شیعه و سنی، غوغای ساختگی» عنوان کتابی است که در سال ۱۹۸۳م توسط مجاهد بزرگ فلسطینی شهید دکتر فتحی شقاقی (بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی) به رشته تحریر درآمده و نشان می دهد که بسیاری از اندیشمندان معاصر اهل سنت بویژه سران اخوان المسلمین نگاه مثبتی نسبت به شیعیان و تقریب مذاهب دارند. شقاقی از عموم اهل سنت بویژه تندروها می خواهد که از شیوه اندیشمندان بزرگ خود مبنی بر تقریب پیروی کنند. این کتاب را استاد سیدهادی خسروشاهی به فارسی ترجمه و با سایر آثار شهید شقاقی با عنوان "امام خمینی؛ تنها گزینه" منتشر کرده است. آنچه در پی می آید خلاصه بخشی از این کتاب و حاوی نکات خواندنی است.

متن خلاصه مقاله

از آغاز قرن نوزدهم، جهان اسلام با غرب معاصر مواجه شد و غرب، نظام سیاسی ما را که در خلافت تجلی یافته بود سرنگون و سرزمین ما را اشغال کرد و از نظر اخلاقی و فکری با جایگزینهای لائیک خود، به جنگ با ما ادامه داد تا اینکه دولت یهودی را در قلب میهن اسلامی کاشت، و در سوی دیگر دست نشانندگان خود را به قدرت رساند.

نظامهای حکومتی وابسته به استعمار در جهان اسلام زبیده طبیعی استعمار و روی دیگر سکه اسرائیل هستند. غرب تا مدتها گمان می کرد که ضربه نهایی را بر تمدن اسلامی وارد کرده تا اینکه انقلاب اسلامی ایران نخستین پیروزی اسلام را در دوران معاصر تحقق بخشید. انقلاب اسلامی عامل پی ریزی مفاهیم متعددی است. برخی از این مفاهیم چنین است:

۱. انقلاب اسلامی وحشت از ابرقدرتها را از اذهان مسلمانان و مستضعفان جهان زدود.
۲. الگوی غربی را زیر سؤال برد و الگوی تمدنی جدیدی به بشریت عرضه کرد.

۳. بر نقش اسلام انقلابی در زندگی ملت‌های منطقه تأکید کرد.

ولی آیا غرب و دست‌نشاندهانش، انقلاب را به حال خود رها خواهند کرد؟ آیا در برابر شور و شوقی که در امت اسلامی بپا شده ساکت می‌نشینند؟ آیا اجازه می‌دهند این شور اسلامی به بار بنشیند؟ غرب و دست‌نشاندهانش به وحشت افتاده بودند بنابراین در چند محور شروع به فعالیت کردند:

۱. با سوءاستفاده از مرحله آشفته‌گی‌های اوایل انقلاب، شروع به تحریک اقلیتها کردند.

۲. از گروه‌های ایرانی مخالف، اعم از گروه‌کهای سلطنت‌طلب و بعضی از تشکیلات مسلح لائیک حمایت کردند.

۳. آمریکا و اروپای غربی محاصره اقتصادی و سیاسی علیه انقلاب اسلامی را رهبری کردند.

۴. صدام‌حسین را برای انجام تجاوز خارجی به کار گرفتند.

۵. میان دو جناح امت اسلامی - سنی و شیعی - فتنه‌انگیزی کردند تا جلوی نفوذ موج انقلاب اسلامی به کشورهای سنی‌نشین گرفته شود.

دشمن در چهار محور نخست شکست خورد ولی در محور پنجم (فتنه‌انگیزی میان شیعه و سنی) تا حدی موفقیت یافت.

استعمار، شاهدادگان نفتی و دیکتاتورها می‌دانند که تفرقه افکنی به سلاح و قشون نیاز ندارد بلکه به کسی که فتوا بدهد احتیاج دارد، بنابراین نقش موردنظر باید به وسیله عمامه به سرها و ریشوها اجرا شود، خواه در دستگاه‌های رسمی رژیمها باشند یا در خارج آن. بعضی از آنها، تبلیغات شبهه‌ناک و غافلگیرکننده‌ای را علیه انقلاب اسلامی شروع کردند. گویی به تازگی کشف کرده اند! که این انقلاب شیعی است و شیعه یک فرقه کافر است و آیه‌الله خمینی هم که با نشستن روی سجاده‌اش تاج و تخت‌ها را به لرزه درآورده، گمراه (!) شده است!!

صحنه آن جوان مسلمان در پیش چشمان ما مجسم می‌شود که یک کتاب سعودی پر از مغالطه و افترا را در دست داشت و آنرا در مسجد برای مردم توضیح می‌داد و به گمراهیهای شیعیان! اشاره می‌کرد. اما برآستی او چه وقت درمی‌یابد که یک طرح استعماری را اجرا می‌کند؟

حقیقت اینست که مواضع خصمانه برخی اسلام‌گرایان علیه انقلاب اسلامی، جنبش اسلامی را با بن‌بست مواجه می‌کند، زیرا آنان در برابر حرکت پیشروی تاریخ می‌ایستند و با انقلابی مقابله می‌کنند

که به گفته یکی از بیانیه‌های جنبش إخوان المسلمین، رهبر آن امامی است که «مایه افتخار اسلام و مسلمانان» است.

در اینجا سعی می‌کنم مواضع و نظرات اندیشمندان شناخته شده مسلمان را درباره برادری شیعه و سنی بیان کنم.

حقیقت اینست که موضع ضدانقلابی و جنجال برانگیز برخی توده‌های جنبش اسلامی پیرامون سنی و شیعی موضعی ریشه‌دار نیست، بلکه پدیده‌ای ناگهانی و موقتی است که از سوی دیگران بر این جوانان پاک تحمیل شده است. آنها پس از اینکه مدت‌ها در گردونه شک و نومیدی بودند، سرانجام کشف می‌کنند که انقلابی که امیدهایشان را زنده کرده، یک انقلاب اسلامی نیست، بلکه انقلابی شیعی است و شیعیان کافرند!! مثلاً محب‌الدین الخطیب نویسنده آن کتاب بدنام سعودی دلایل متعدد بر کفر شیعه آورده و اینکه آنها قرآنی غیر از قرآن اهل سنت دارند!! و در حالیکه او همان کسی است که با دولت خلافت اسلامی جنگید و به یک حرکت قومگرا- طلایه‌داران جوانان عرب- پیوست و وقتی که رازش برملا شد، در سال ۱۹۰۵ م به یمن فرار کرد.

اکنون بازگردیم به بررسی مواضع و دیدگاه‌های حرکت‌های اسلامی و اندیشمندان مسلمان نسبت به غوغای ساختگی شیعه و سنی.

شهید حسن البنا (بنیانگذار جنبش جهانی إخوان المسلمین) یکی از پیشگامان اندیشه وحدت میان شیعه و سنی و از شرکت‌کنندگان در فعالیتهای «جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی» بود. وی و گروهی از مشایخ بزرگ اسلام توافق کردند که همه مسلمانان (سنی و شیعه) بر پایه اصول مشترک گرد هم آیند و در امور جزئی که از اصول دین نیست و انکار آنها به معنای انکار دین نیست، یکدیگر را معذور بدانند.

عبدالکریم شیرازی در کتاب وحدت اسلامی درباره جماعت تقریب می‌گوید: «آنها توافق کردند که مسلمان کسی است که به «الله» پروردگار جهان، و به محمد پیامبر که پس از او پیامبری نخواهد آمد، و به قرآن کریم آسمانی، و به کعبه قبله و خانه خدا، و به ارکان پنجگانه شناخته شده، و به روز رستاخیز و انجام آنچه در دین ضروری است ایمان و اعتقاد دارد. این ارکان - که به عنوان نمونه ذکر

شد- مورد توافق شرکت‌کنندگان در جلسه، نمایندگان مذاهب چهارگانه شناخته شده اهل سنت و نمایندگان تشیع از دو مذهب امامیه و زیدیه است»

در این جمعیت، شیخ‌الازهر، مرجع و مفتی اعظم وقت، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ مصطفی عبدالرازق و شیخ شلتوت نیز شرکت داشتند. استاد سالم بهنساوی (از اندیشمندان اخوان المسلمین) می‌گوید: «از زمانی که جماعت تقربیب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد و امام‌البناء و آیة‌الله قمی در تأسیس آن سهیم بودند همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار است، این امر به دیدار شهید نواب صفوی از قاهره در سال ۱۹۵۴ انجامید.»

همچنین امام حسن‌البناء در سال ۱۹۴۸ در حج با آیة‌الله کاشانی مرجع شیعیان دیدار کرد و میان آن دو تفاهم برقرار شد. عبدالمتعال جبری (از شاگردان حسن‌البناء) به نقل از روبر جاکسون می‌گوید: «اگر زندگی حسن‌البناء طولانی می‌شد ممکن بود رویدادهای مهمی برای این دو کشور تحقق یابد، به ویژه که حسن‌البناء و کاشانی در سال ۱۹۴۸م در حجاز دیدار کردند و ظاهراً با تفاهم به نقطه اصلی رسیدند، ولی حسن‌البناء نابهنگام ترور شد.»

دکتر اسحاق موسی حسینی در کتاب "الاخوان المسلمون .. کبری الحركات الاسلاميه الحديثه" می‌گوید که برخی دانشجویان (شیعی) که در مصر تحصیل می‌کردند به اخوان پیوستند. همچنین معروف است که برخی از شیعیان در عراق نیز چنین کردند. وقتی نواب صفوی از سوریه دیدن کرد و با مصطفی سباعی دبیرکل اخوان در آنجا دیدار کرد، سباعی گله کرد که بعضی از جوانان شیعه به حرکت‌های لائیک و قومگرا می‌پیوندند. نواب بر منبر و در برابر شیعیان و سنیان گفت: «هر کس می‌خواهد شیعه جعفری واقعی باشد به صفوف اخوان ملحق شود». نواب صفوی رهبر سازمان «فدائیان اسلام» شیعی بود. استاد محمدعلی ضناوی از برنارد لوئیس نقل می‌کند که فدائیان اسلام با اینکه پیرو مذهب تشیع‌اند، ولی اندیشه‌ای که درباره وحدت اسلامی دارند تا حدود زیادی با اندیشه اخوان مصر همانندی دارد و میان آنها تماس‌هایی برقرار بوده است.

استاد ضناوی می‌گوید از جمله اصول فدائیان اسلام اینست که اسلام یک نظام فراگیر برای زندگی است و فرقه‌گرایی میان مسلمانان مردود است. سپس از نواب نقل قول می‌کند: «بیباید با اتحاد

برای اسلام تلاش کنیم و هر چیزی جز جهاد در راه عزت اسلام را به فراموشی بسپاریم. آیا زمان آن نرسیده که مسلمانان حقایق را درک کنند و اختلاف میان شیعه و سنی را رها کنند؟!»

استاد فتحی یکن (اندیشمند سنی لبنانی) ماجرای دیدار نواب صفوی از قاهره و شور و شوق إخوان المسلمین هنگام استقبال از وی را بیان می‌کند. سپس راجع به صدور حکم اعدام وی از سوی شاه، می‌گوید: «این حکم ظالمانه بازتاب شدیدی در کشورهای اسلامی داشت و توده‌های مسلمان که به دلاوریها و مجاهدتهای نواب صفوی ارج می‌گذارند از این حکم تکان خوردند و بر آن شوریدند و با مخابره هزاران تلگرام از سراسر جهان اسلام، حکم بر ضد آن مجاهد مؤمن و قهرمان را محکوم کردند. اعدام وی در دوران معاصر خسارت بزرگی به شمار می‌آید.»

استاد فتحی یکن معتقد است نواب از بزرگترین شهدای إخوان به حساب می‌آید و او یارانش «به کاروان شهیدان پیوستند، شهیدانی جاویدان که خون پاکشان چراغی خواهد بود که راه آزادی و فداکاری را برای نسلهای آینده روشن می‌کند.»

استاد فتحی یکن پس از به رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط شاه ایران می‌گوید: «عربها باید در ایران در جستجوی نواب و برادران نواب باشند ... ولی کشورهای عربی تاکنون این را درک نکرده‌اند» استاد عبدالمجید الزندانی، دبیرکل سابق إخوان المسلمین در یمن شمالی و شمار فراوانی از اخوان یمن شیعه بودند.

به موضوع "مجمع تقریب" و سخن عضو برجسته آن، شیخ محمود شلتوت شیخ الأزهر بر می‌گردیم که می‌گوید: «من به فکر تقریب به عنوان یک خط مشی صحیح ایمان آوردم و از روز اول در جماعت آن سهیم شدم.»

سپس می‌گوید: «الازهر شریف اکنون به حکم اصل (اصل تقریب میان پیروان مذاهب) گردن می‌نهد و مقرر می‌دارد که فقه مذاهب اسلامی از سنی گرفته تا شیعه را بررسی کند؛ بگونه ای که بر دلیل و برهان استوار و از تعصب به این و آن خالی باشد» وی سپس ادامه می‌دهد: «کاش می‌توانستم درباره جلسات دارالتقریب سخن بگویم. آنگاه که مصری در کنار ایرانی یا لبنانی یا عراقی یا پاکستانی یا دیگران از سایر ملل اسلامی می‌نشینند، حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی در کنار امامی و زیدی

گرد یک میز می‌نشینند و صداهایی به گوش می‌رسد که در آن علم، تصوف و فقه است و افزون بر این در آن روحیه اخوت، طعم مودت، محبت و همکاری در عرصه علم و عرفان است»

شیخ شلتوت اشاره می‌کند که برخی به گمان اینکه هدف از تقریب، لغو مذاهب یا ادغام آنها در یکدیگر است، با این فکر به ستیز برخاستند: «افراد تنگ‌نظر با این اندیشه ستیز کردند، همچنان که گروه دیگری از غرض‌ورزان بدخواه با آن جنگیدند. هیچ امتی از این گونه افراد خالی نیست. آنان که تضمین بقا و معیشت خود را در تفرقه می‌یابند با آن جنگیدند، و افراد بددل و اهل هوا و هوس و گرایش‌های خاص با آن مبارزه کردند؛ اینها و آنها کسانی هستند که قلم خود را به سیاست‌های تفرقه افکن می‌فروشند! سیاست‌هایی که با شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم با هر حرکت اصلاحی مبارزه می‌کنند و در مقابل هر کاری که باعث اتحاد مسلمانان است می‌ایستند».

شیخ شلتوت در فتوای خود درباره مذهب تشیع می‌گوید: «مذهب جعفری مشهور به مذهب شیعه اثناعشری، مذهبی است که همچون سایر مذاهب اهل سنت، عمل به آن شرعاً جایز است و مسلمانان باید این را بدانند و از تعصب ناحق نسبت به مذاهب خاص رهایی یابند».

علاوه بر جمعیت تقریب، شمار بسیاری از اندیشمندان مسلمان از تقریب حمایت می‌کنند. شیخ محمد غزالی (اندیشمند معاصر اهل سنت و از رهبران إخوان المسلمین) می‌گوید: «اعتقادات نیز به آشفتگی سیاست و حکومت دچار شد، زیرا شهوت برتری جویی و انحصارطلبی به زور چیزهایی وارد آن کرد که از آن نیست و از آن پس مسلمانان به دو بخش بزرگ شیعه و سنی تقسیم شدند، با اینکه هر دو گروه به خدای یکتا و به رسالت محمد (ص) ایمان دارند»

وی می‌افزاید: «با اینکه من در بسیاری از احکام، نظری برخلاف شیعه دارم، ولی معتقد نیستم که هر کس با نظرم مخالفت کند گناهکار است، موضع من در قبال برخی از آرای فقهی رایج در میان اهل سنت نیز همین است.»

وی در جای دیگر از کتاب خود می‌گوید: «سرانجام شکاف میان شیعه و سنی را به اصول عقیده ربط دادند! تا دین یکپارچه، دو پاره شود و امت واحد به دو شعبه منشعب شود و هر یک در کمین دیگری، بلکه در انتظار مرگ او بنشینند! هر کس حتی اگر با یک کلمه به این دودستگی کمک کند، آیه زیر شامل حال او می‌شود: " کسانی که دین خود را فرقه فرقه کردند و دسته‌دسته شدند، تو را با آنها

کاری نیست. کار (مجازات) آنها با خداست. و خدا آنان را به کارهایی که می‌کردند خواهد کرد" (سوره انعام / ۱۵۹)»

شیخ غزالی می‌افزاید: «در عرصه فقه تطبیقی (مقایسه‌ای) وقتی إشکال و اختلاف فقهی را که بین این یا آن نظر و بین صحیح یا ضعیف شمردن یک حدیث پیش می‌آید، بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که فاصله میان شیعه و سنی به همان مقدار است که بین مذهب فقهی ابوحنیفه با مذهب فقهی مالکی یا شافعی وجود دارد ... ما همه را در جستجوی حقیقت یکسان می‌بینیم، هر چند شیوه‌ها متفاوت است»

وی در کتاب "نظرات فی القرآن" نیز سخنان یکی از علمای شیعه را می‌آورد و در حاشیه درباره اش می‌گوید: «او از فقها و ادبای بزرگ شیعه است. تمام سخنان وی را می‌آوریم زیرا برخی ناپختگان گمان می‌کنند که شیعیان از اسلام بیگانه‌اند» نیز در جای دیگر همان کتاب هنگام معرفی یک عالم دیگر شیعه (هبة‌الدین حسینی) می‌گوید: «او از علمای گرانقدر شیعه است و ما عمداً خلاصه سخنان را می‌آوریم تا برای خواننده مسلمان بلندای درک این عالم نسبت به ماهیت اعجاز قرآن و میزان احترام و تقدیس شیعیان نسبت به کتاب خدا روشن شود».

دکتر صبحی الصالح می‌گوید: «در احادیث امامان شیعه جز آنچه موافق سنت پیامبر است، روایت نشده است.» سپس می‌افزاید: «سنت پیامبر پس از کتاب خدا جایگاه بزرگی نزد آنان دارد».

استاد سعید حوی نیز در ضمن بحث درباره تقسیمات اداری دارالاسلام می‌گوید: «اسلام از مذاهب فقهی و اعتقادی تشکیل شده، و هر مذهب بر منطقه‌ای چیره است. چه مانع شرعی وجود دارد که این امر در تقسیم‌بندیهای اداری مورد توجه قرار گیرد؟! یعنی منطقه‌ای که زبان واحدی دارد باید یک ایالت داشته باشد. منطقه شیعی‌نشین باید یک ایالت باشد و هر منطقه که دارای مذهب فقهی واحد است باید یک ایالت باشد و هر ایالت حکمران خود را انتخاب کند و در عین حال زیر نظر حکومت مرکزی قرار گیرد».

دکتر مصطفی شکعه نیز می‌گوید: «شیعیان دوازده امامی همین اکثریت شیعیان هستند که در بین ما زندگی می‌کنند و ما اهل سنت با آنان روابط محبت آمیز داریم»

شیخ محمد ابوزهره نیز در کتاب تاریخ المذاهب الاسلامیه می‌گوید: «بی شک شیعه یک فرقه اسلامی است. البته فرقه‌هایی چون سبائیه که قائل به الوهیت علی(ع) هستند و ... را باید از شیعه جدا بدانیم (معلوم است که سبئیه در نظر شیعه کافرند) و شکی نیست که تمام اعتقادات شیعه بر اساس نص قرآن یا احادیث منسوب به پیامبر است». وی همچنین می‌گوید: «آنها به همسایگان سنی خود مهر می‌ورزند»

دکتر عبدالکریم زیدان (از إخوان المسلمین عراق) می‌نویسد: «اختلاف میان فقه شیعه جعفری و مذاهب دیگر، در حد اختلافات جزئی و طبیعی بین هر مذهب با مذهب دیگر است»

استاد سالم بهنساوی که یکی از اندیشمندان اخوان است در کتاب "السنة المفتری علیها"، در پاسخ به کسانی که ادعا می‌کنند شیعیان قرآنی غیر از قرآن اهل سنت دارند می‌گوید: «قرآن موجود در بین اهل سنت همان است که در مساجد و خانه‌های شیعیان موجود است.» و نیز می‌گوید: «شیعیان جعفری (اثنا عشری) اعتقاد دارند هر کس قرآن را که امت از صدر اسلام بر سر آن اتفاق نظر دارند تحریف کند کافر است» وی ادعاهای محب الدین خطیب و احسان ظهیر درباره عقیده شیعه به تحریف قرآن را با استناد به نظرات علمای شیعه رد می‌کند. از جمله از آیه‌الله خوئی نقل می‌کند: «آنچه میان مسلمانان شناخته شده است این است که تحریفی در قرآن واقع نشده است و آنچه در دست داریم تمامی قرآن است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است» و از شیخ محمدرضا مظفر نقل می‌کند: «آنچه اکنون در دست داریم و تلاوت می‌کنیم همان قرآنی است که بر پیامبر نازل شده و هر کس جز این ادعا کند دروغگو، مغلطه گو یا مشکوک است». سپس از امام کاشف الغطاء نقل می‌کند که علمای شیعه اتفاق نظر دارند که تحریفی در قرآن رخ نداده است.

استاد انور جندی در کتاب الاسلام و حرکة التاريخ می‌گوید: «تاریخ اسلام سرشار از اختلافات و مناقشات فکری و کشمکش سیاسی میان اهل سنت و شیعه است. تجاوزگران بیگانه از جنگهای صلیبی تا به امروز کوشیدند تا به اختلاف دامن بزنند و تأثیرات آن را عمق ببخشند تا وحدت جهان اسلام تحقق نیابد. از این رو جریان غربگرا در پی تفرقه میان اهل سنت و شیعه و برانگیختن دشمنی میان آنها بود» وی می‌گوید: «اختلاف میان سنی و شیعی در حقیقت بیش از اختلاف میان مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست»

استاد سمیع عاطف الزین در مقدمه کتاب "المسلمون ... من هم؟" می‌گوید: «آنچه موجب تألیف این کتاب شد، دو دستگی کور کورانه ایست که امروزه در جامعه ما پدید آمده است؛ به ویژه دودستگی میان مسلمان شیعی و مسلمان سنی که می‌بایست با محو جهل، محو می‌شد، ولی متأسفانه همچنان در دل‌های بیمار ریشه دارد زیرا منشأ آن همان طبقه ایست که با ایجاد نفاق بر جهان اسلام حکومت کرده و دشمن دین است» وی معتقد است اختلاف تسنن و تشیع هرگز بر سر اصل قرآن و سنت نبوده، بلکه اختلاف تنها بر سر فهم از قرآن و سنت بوده است. وی در پایان می‌گوید: «باید روحیه منفور فرقه‌گرایی را محو کنیم و راه را بر کسانی که کینه دینی را ترویج می‌کنند ببندیم تا مسلمانان همانند گذشته به یک گروه واحد، همکار و دوستدار یکدیگر بدل شوند»

ابوالحسن ندوی نیز آرزو می‌کرد که میان شیعه و سنی نزدیکی ایجاد کند. وی می‌گوید: «اگر نزدیکی و تقریب بین شیعه و سنی انجام شود انقلابی بی‌نظیر در تاریخ تجدید اندیشه اسلامی ایجاد خواهد شد» استاد صابر طعیمه می‌گوید: «میان شیعه و سنی در اصول کلی اختلافی نیست ... اختلاف تنها بر سر فروع است که شبیه به اختلاف میان خود مذاهب اهل تسنن (شافعی، حنبلی و ...) می‌باشد. ... حق اینست که تسنن و تشیع دو مذهب از مذاهب اسلام هستند که هر دو از کتاب خدا و سنت پیامبر الهام می‌گیرند»

"استاد عبدالوهاب خلاف" در بحث خود درباره اصل اجماع می‌گوید: «اجماع چهار رکن دارد ... دومین رکن اینست که همه مجتهدان در خصوص واقعه و در زمان وقوع آن، صرف‌نظر از کشور، نژاد یا فرقه شان، بر سر حکم شرعی اتفاق کنند. پس اگر در مورد موضوعی تنها مجتهدان حرمین یا تنها مجتهدان عراق ... یا مجتهدان اهل سنت، بدون مجتهدان شیعه، توافق کنند، شرعاً اجماع منعقد نمی‌شود»

استاد احمد ابراهیم بیک، در کتاب "علم اصول الفقه" می‌گوید: «شیعه امامیه مسلمانند و به خدا و پیامبر و قرآن و به تمام آنچه محمد (ص) آورده ایمان دارند. مذهب آنها بر سرزمین ایران حکمفرماست» نیز می‌گوید: «از میان شیعیان در دورانهای قدیم و معاصر، فقهای بسیار بزرگ و دانشمندی در علوم و فنون مختلف برخاسته‌اند. آنان ژرف‌اندیش و دارای اطلاعات وسیعی هستند و تألیفاتشان سر به صدها هزار می‌زند»

ولاتنازعوا فتمشولوا وتذهب ويحكم (انفال/46)



قال اميرالمؤمنين على عليه السلام:

انى اكراه لكم ان تكونوا سبابين شتامين لغائبين
(تمام نهج البلاغه، ج 5 ص 98 و 99)



سماحة آية الله العظمى السيستاني:
خطابنا هو الدعوة الى الوحدة، وكنت
ولا أزال أقول لا تقولوا اخواننا السنة،
بل قولوا «أنفسنا أهل السنة»

سماحة الامام الخامنائي:

يحرم النيل من رموز إخواننا السنة فضلاً
عن اتهام زوج النبي بما يخل بشرفها بل
هذا الأمر ممتنع على نساء الأنبياء
وخصوصاً سيدهم الرسول الأعظم

سماحة الامام الخميني:

لقد أمرنا الإسلام بوحدة الكلمة،
وان من يعمل على إثارة الفرقة
فهو خارج عن الإسلام

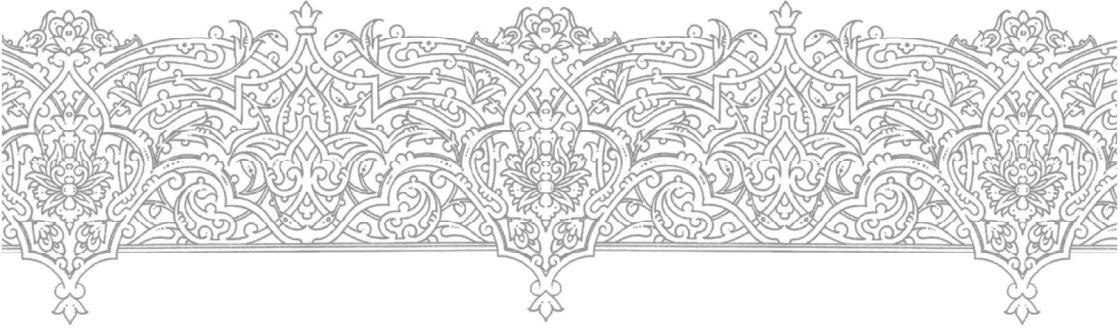
سماحة الإمام السيد موسى الصدر:
يكون الأساس هو التقارب
والفهم وليس الجدل ومحاولات
التغلب الكلامي

سماحة آية الله العظمى علامه
فضل الله: نحرم سب أمهات
المؤمنين والإساءة إليهنّ ونعتبره
مخالفاً للخط الإسلامي الأصيل

پیشوایان شیعه، پیشگامان وحدت



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امت واحده
با همكارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com